یادداشت ویژه

نقش اقتصاد فرهنگ و هنر در اقتصاد مقاومتی

■ دکتر غلامرضا خلیل ارجمندی

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری، «مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست». این مهم کارگزاران کشور را به راهبردی اساسی رهنمون می‌کند که «باید مسأله فرهنگ را مسأله اول کشور به حساب آورد».

در شرح این راهبرد، مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «فرهنگ خیلی اهمیت دارد. اگر ما دنبال استقلال هستیم، باید به فرهنگ مراجعه کنیم و روی فرهنگ کار کنیم. اگر دنبال خودکفایی و رفاه عمومی مردم هستیم، اگر به دنبال تدین مردم و یک تمدن بزرگ اسلامی هستیم- که باید باشیم و البته هستیم- باید بر روی مسأله فرهنگ تأمل و توجه و سرمایه گذاری ویژه‌ای بکنیم.»

اگرچه تعبیر «اقتصاد فرهنگ و هنر» در ادبیات اقتصادی کشور ما هنوز متداول نشده است، لیکن بکارگیری این تعبیر طی دو دهه اخیر، در گفتمان اقتصادی کشورهای پیشرفته چشمگیر است، تا جایی که در برنامه‌های توسعه، اقتصاد و صنایع فرهنگی و هنری، جلوه‌ای کاملاً روشن دارند.

تغییرات مداوم الگوهای مصرف، تنوع تقاضا و پویایی دایمی و سریع سلایق مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، توسعه فوق‌العاده صنایع فرهنگی و هنری را به دنبال داشته است. به مدد ظهور و پیشرفت فوق‌العاده فناوری‌های نوین، باب خلاقیت‌ها، ابداعات و نوآوری‌ها در تولید محصولات متنوع و جدید همچنان گشوده میشود و در این تاثیر متقابل، صنایع فرهنگی به محرک عمده توسعه هر چه بیشتر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی تبدیل شده‌اند.

این چرخه شتابان و روند نامتناهی در اقتصاد فرهنگ و هنر، موجب شده است تا در دهه‌های اخیر، کشورهای توسعه یافته‌تر، اقتصاد و صنایع فرهنگی را به‌عنوان منابعی پایان‌ناپذیر در تولید ثروت انتخاب کنند و در استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه خود، از حداکثر پتانسیل‌های صنایع فرهنگی بهره ببرند. آمار اشتغال روزافزون صدها میلیون نفر در صنایع گوناگون فرهنگی و حرفه‌های هنری و همچنین حجم بالا و رو به تزاید صادرات و واردات کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، نقش محوری و پیشرو این صنایع در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را تایید و تصدیق می‌کند. اما نقش صنایع فرهنگی و هنری در این کشورها، فقط به اهمیت اقتصادی آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه آثار، نتایج و پیامدهایی بیش از تولید ثروت و اشتغال‌زایی دارد و به موازات ایجاد ارزش اقتصادی، نمی‌توان تاثیرات گوناگون ارزش آفرینی‌های فرهنگی آن را در ابعاد مختلف

زندگی آدمیان نادیده گرفت. در دنیای امروز، محصولات فرهنگی در همه تار و پود حیات انسان ها از اندیشه تا عمل وارد شده و تأثیرات انکارناپذیر آن کاملاً آشکار است. احاطه محصولات فرهنگی و هنری در همه ابعاد محلی، ملی و بین‌المللی تا آنجا پیش رفته است که انسان ها، لاجرم با بهره‌مندی از آنها هویت خود را تعریف و بیان می‌کنند.

محصولات فرهنگی و هنری با تقویت اندیشه و بیان خلاق، راه زندگی مسالمت آمیز اجتماعی را برای انسانها هموارتر کرده‌اند. گاهی پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی مستتر در صنایع فرهنگی، حتی جلوه‌هایی به مراتب پایدارتر و با اهمیت‌تر از ارزش اقتصادی از خود نشان می‌دهند. صنایع فرهنگی عموماً در خدمت توسعه و سیاست فرهنگی هر جامعه‌ای است و نیز پاسداری و تقویت هویت فرهنگی و شناساندن آن را به سایر جوامع بر عهده دارد. تأثیر و تعامل اجتناب ناپذیر و متقابل فرهنگ‌ها و همچنین غنای متقابل فرهنگ‌ها با مبادله کالاها و خدمات فرهنگی بیش از پیش امکان‌پذیر و تسهیل شده است.

اینک در این رقابت تنگاتنگ و پیچیده در عصر دهکده جهانی، که نقش برجسته و فزاینده صنایع فرهنگی در ارزش آفرینی‌های اقتصادی و فرهنگی، هر روز بیش از پیش متجلی شده، رسالت و مداخله موثر دولت در تهیه برنامه و نقشه جامع اقتصاد فرهنگ و هنر، سنگین‌تر شده است، دولت‌ها مکلف هستند تا با بسترسازی و رفع موانع، راه را برای فعالیت بخش خصوصی در تولید و توسعه صنایع فرهنگی و هنری بگشایند.

به نظر می‌رسد با توجه به نامگذاری سال جاری به نام سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» از سوی مقام معظم رهبری از یک سو و تاکیدات ایشان در زمینه اقتصاد مقاومتی از سوی دیگر، تدوین برنامه‌ای مدبرانه و هوشمندانه برای ایجاد و توسعه صنایع فرهنگی و هنری، با توجه به قابلیت‌ها، استعدادها و مزیت‌های فرهنگی و هنری ملی، در کشوری که به یمن و برکات میراث فرهنگی غنی خود، بی‌تردید در شمار فرهنگ‌های فاخر و شاخص بشری شمرده می‌شود و شاید تنها با اتکا به ادبیات عرفانی، فلسفی و هنری متعالی ایرانی و اسلامی بتواند سمبل عزت، صلح و صفا و غرور در جهان باشد، مهمترین وظیفه و تکلیف دولت است.

نقش صنایع فرهنگی در رونق تولید ملی و تحقق اقتصاد مقاومتی در ابعاد زیر قابل بررسی است:

- ثروت‌آفرینی ملی: میزان ارزش افزوده و درآمد حاصل از فروش محصولات فرهنگی و هنری نظیر تابلوهای هنری، فیلم‌های سینمایی، کنسرت‌های موسیقی اصیل، انیمیشن‌ها و بازی‌های کامپیوتری و صنایع دستی بسیار بالاست. صنایع فرهنگی و هنری از پرسودترین حوزه‌های تولید ملی هستند. چرا که با سرمایه کمتر و نیز دوره بازگشت سرمایه کوتاه‌تر، ثروت بیشتری تولید می‌کند، که نشانگر درون‌زا بودن این اقتصاد است.
- اشتغال‌زایی: میزان سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک شغل مستقیم در اکثر صنایع بسیار بالا است، در حالی که در صنایع فرهنگی و هنری، میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز به مراتب کمتر است. همچنین اشتغال‌زایی در صنایع فرهنگی بسیار متنوع است. زنجیره صنایع فرهنگی دامنه گسترده‌ای از کالاها و خدمات را در بر می‌گیرد. همچنین به دلیل این که صنایع فرهنگی و هنری، عمدتاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را جذب می‌کنند، می‌توان معضل بیکاری در این قشر را نیز تا حدودی برطرف نمود.

الزامات رشد و توسعه صنایع فرهنگی در کشور را می‌توان در سه بعد مدیریتی، منابع انسانی و زیرساختی بررسی نمود:

- الزامات مدیریتی: عدم یکپارچگی مدیریت و برنامه‌ریزی در صنایع و بخش‌های متولی فرهنگ در کشور، یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی توسعه اقتصاد و صنایع فرهنگی در کشور می‌باشد. لذا دولت باید تدبیری

بیندیشد که تا حد امکان مدیریت واحد فرهنگی را در سطح کشور با یک متولی مشخص تقویت نماید.

- الزامات منابع انسانی: توسعه اقتصاد و صنایع فرهنگی و هنری به نیروی انسانی متخصص، نخبه و توانمند نیاز دارد. ارتباط موثر و مفید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای با صنایع فرهنگی، می‌تواند تا حدود زیادی نیاز این صنایع به مدیران فرهنگی، کارشناسان، طراحان، مهندسان و تولیدکنندگان محصولات و محتوای فرهنگی و هنری را تامین نماید.
- الزامات زیرساختی: توسعه و ایجاد مراکز، تاسیسات، لابراتوارها، کارخانه و کارگاه‌های تولید محصولات فرهنگی و همچنین گسترش فضاهای فرهنگی نظیر سالن‌های تئاتر، سینما، کتابخانه و فرهنگسرا، نیز از الزامات رشد صنایع فرهنگی و هنری در کشور می‌باشند.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی هم درون‌زا است و هم برون‌گرا. این تعبیر بسیار کلیدی، ما را به این سمت سوق می‌دهد که اقتصاد فرهنگ و هنر، کاملا در راستای منویات مقام معظم رهبری و بخشی مهم از اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

بر این اساس اقتصاد فرهنگ و هنر، زاییده فرهنگ و هنر ایرانی و اسلامی است، که درون‌گرا بودن این اقتصاد را نشان می‌دهد.

همچنین محصولات فرهنگی مانند فیلم، موسیقی، تابلوهای هنری و کالاهای فرهنگی ایرانی، قابلیت و پتانسیل عرضه در بازارهای منطقه‌ای و جهانی با فرهنگ‌های متلون را دارا می‌باشند، که نشان از برون‌گرا بودن این اقتصاد دارد. عدم حضور قدرتمند محصولات فرهنگی و هنری ایران در سایر کشورهای جهان، گویای یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صنایع فرهنگی و هنری در کشور است، که با بهره‌گیری از رویکردهای اقتصاد مقاومتی، این چالش نیز قابل رفع شدن می‌باشد.

یکی از مسایل مهم در حمایت از تولید ملی و تحقق اقتصاد مقاومتی، اولویت‌گذاری و انتخاب صنایعی است که باید در تولید ملی به آن‌ها پرداخت. با توجه به فرصت‌ها و تهدیدها، منابع محدود مالی، نیروی انسانی، تجهیزات و فناوری، امکانات کشور را باید در برخی از صنایع استراتژیک متمرکز نمود. در این راستا هنگامی که بحث از تولید ملی، ثروت‌آفرینی و اشتغال‌زایی می‌شود، نگاه‌ها ابتدا به سمت صنایعی چون پتروشیمی و فولاد می‌رود و دیگر صنایع چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در حالی که اگر شاخص های ثروت آفرینی، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی را در نظر بگیریم، صنایع فرهنگی و هنری یکی از اولویت‌ها خواهند بود.

در نهایت پیشنهادات راهبردی زیر، در راستای تقویت اقتصاد و صنایع فرهنگی و هنری، به منظور نقش‌آفرینی در اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌شود:

- آمایش سرزمین به منظور برنامه‌ریزی ملی برای ایجاد و توسعه مشاغل فرهنگی و هنری با توجه به ظرفیت ها و قابلیت های استانی
- ایجاد شرکت‌های مدیریت صادرات (EMC) تخصصی جهت مدیریت بهینه صادرات محصولات فرهنگی و هنری ملی به کشورها و بازارهای هدف
- بهره‌گیری از ظرفیت رایزنان فرهنگی و بازرگانی ایران در سایر کشورها جهت تسهیل صادرات محصولات فرهنگی و هنری به بازارهای هدف
- تدوین و ارائه سیاست های حمایتی و تشویقی از جمله اعطای معافیت‌های مالیاتی، بیمه‌ای و سایر مشوق ها
- برنامه‌ریزی ملی و استانی برای اشتغال زایی و احداث شرکت های تعاونی و شرکت های کوچک و متوسط در حوزه صنایع فرهنگی و هنری
- اعطای امتیازات برای جذب مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه صنایع فرهنگی و هنری
- تقویت هنرستان‌ها، مراکز علمی وکاربردی و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای جهت ارتباط

موثر و دوسویه با صنایع فرهنگی و هنری

- ایجاد نظام جامع توزیع و عرضه فروش داخلی و خارجی و ایجاد زیرساخت فروش الکترونیکی برای عرضه محصولات در سطح بین‌المللی
- برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و حراج‌ها در ابعاد ملی و بین‌المللی
- ایجاد سازمان های بازاریابی بین‌المللی برای شناسایی و تشخیص نیاز و ذائقه فرهنگی و هنری مشتریان خارجی
- خلق و معرفی برندهای فرهنگی و هنری ملی جهت عرضه محصولات در داخل و خارج از کشور
- ایجاد نهادهای مالی و اعتباری و شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری در زمینه فرهنگ و هنر
- فعال نمودن مناطق آزاد تجاری برای سرمایه گذاری و صادرات محصولات فرهنگی و هنری
- توسعه صادرات محصولات و خدمات فرهنگی و هنری از طریق تسهیل مقررات صادراتی، تخفیفات گمرکی و ...
- اجرای موثر قانون حمایت از حقوق هنرمندان، مصنفین و نویسندگان
- ایجاد سرفصل‌های اقتصاد فرهنگ در حساب های ملی

همچنین تشکیل شورای عالی اقتصاد فرهنگ و هنر در دولت تدبیر و امید، نشانه‌ای از عزم جدی دولت یازدهم، در زمینه تقویت جایگاه و نقش اقتصاد فرهنگ و هنر در تحق اقتصاد مقاومتی است.

در خاتمه، باید به این واقعیت اذعان نمود که در حوزه اقتصاد فرهنگ و هنر، فعال‌سازی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های این حوزه و رفع موانع توسعه آن، به منظور مقاوم‌سازی اقتصاد حوزه فرهنگ و هنر و همچنین اشتغال‌زایی، درآمدزایی و ارزآوری آن در بخش صنایع فرهنگی و هنری، مهم‌ترین قابلیت این حوزه برای تحقق اقتصاد مقاومتی است.